

ارزیابی نقش زیستگاه در جغرافیای جرائم شهری

مطالعه موردی: شهر میاندوآب

جمال بیگی^۱ - استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

چکیده

محیط جرم همیشه از ماهیت ثابت و فضای کالبدی خاص با محدودیت‌های فیزیکی برخوردار است. انسان همواره در حال تولید تنوع محیطی است و از این رو جرائم شهری با کثرت ملاک‌های ارتباطات اجتماعی افزایش می‌یابد. در تقابل با این زیستگاه جرائم، همه تمهیدات لازم برای پیشگیری از تعامل دو عنصر الحاقی و القایی با عنصر محیطی بایستی به کار گرفته شود. روش تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ نوع و روش، توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. جامعه آماری تحقیق نیز ۲۶۸ نفر از بزهکاران شهر میاندوآب که در کلانتری‌ها و واحدهای اجرایی ناجا طی بازه زمانی اول فروردین ماه تا شهریور سال ۱۳۹۵ تحت بازداشت موقت و یا روانه زندان شده‌اند، بوده که به عنوان نمونه، تعداد ۱۲۲ نفر از این افراد براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران انتخاب شده‌اند. بنابراین به منظور ارزیابی نقش زیستگاه در جغرافیای جرائم شهری میاندوآب، با استفاده از نظریه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناسی جنایی و جغرافیای جرائم شهری به تبیین ادبیات نظری موضوع و در تحلیل میدانی نیز براساس اطلاعات دریافتی از جامعه آماری، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شده است. با بررسی الگوی جغرافیایی جرائم شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کوی قره ورن، کوی ولی‌آباد، خیابان جانبازان و کوی وکیل کندی در میاندوآب، با میزان بسیار بالای بزهکاری مواجه است. کیف‌قایی، تخریب اموال عمومی، ولگردی و تکدی‌گری، نزاع، درگیری خیابانی و زورگیری از مهم‌ترین جرائم ارتكابی این شهر بوده است. در بررسی تأثیر زیستگاه بر انواع بزهکاری مشخص شد که عناصر محیطی بر وقوع جرائمی مانند سرقت و اعتیاد به مواد مخدر، بیشترین تأثیر را داشته‌اند. در بررسی ویژگی‌های اماکن وقوع جرم نیز مشخص شد که تراکم خانه‌های قدیمی با قیمت نازل در بروز بزهکاری بیشترین نقش را داشته است. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که عدم طراحی مناسب ساختمان‌ها و وجود کوچه‌های باریک از مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی در بروز بزهکاری بوده‌اند. آزمون آماری همبستگی پیرسون نشان داد که بین زیستگاه و بزهکاری افراد رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که مجموع متغیرهای پیش‌بین «مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون‌های جرم خیز، خصوصیات اماکن مناطق، محیط فیزیکی و عناصر اقلیمی»، حدود ۳۲ درصد متغیر ملاک تحقیق بزهکاری را تبیین نمودند که مؤلفه «مشخصات کالبدی کانون‌های جرم خیز»، بیشترین سهم را در تبیین متغیر ملاک داشته است.

واژگان کلیدی: زیستگاه، بزهکاری، نظریه‌های جغرافیای جرائم شهری، مکتب شیکاگو، شهر میاندوآب.

۱. مقدمه

مبارزه با جرم و کج‌روی‌های اجتماعی شهری منوط به شناخت عوامل جرم‌زاست. بنابراین با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرهای آن می‌توان از بروز جرائم شهری پیشگیری نموده و یا حداقل از میزان آن کاست. جرائم شهری جرائمی هستند که در محیط شهری روی می‌دهند. منظور از محیط شهری نیز همین مفهوم جغرافیایی و اجتماعی آن است و از این لحاظ شامل حومه شهر و اشخاصی که به طور غیررسمی در حاشیه شهرها اسکان دارند نیز می‌گردد. آمارهای موجود در کشورهای جهان نشان می‌دهد، پیشگیری از جرائم شهری از طریق افزایش نیروهای پلیس، تدابیر شدید امنیتی، صدور احکام و مجازات‌های شدیدتر و احداث زندان‌های بیشتر به جایی نمی‌برد (Yavari, 2012: 1). اما نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»^۱، یکی از دیدگاه‌های پذیرفته شده در کاهش میزان جرائم شهری و نیز تسهیل کشف و پیگرد آنها محسوب می‌شود. (Ahmadi et al., 2011: 9) به سخن دیگر، براساس پیشنهاد روش شناسی برنامه‌ریزی و طراحی مجدد محیطی، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترساز جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (Atlas, 1999: 11).

بوم‌شناسی جنایی^۲، تأثیر زیستگاه فردی و محیط‌زیست فرد در رفتار مجرمانه وی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. زیستگاه مفهوم کلی است که شامل اوضاع و احوال و شرایط خاص محل زندگی فرد می‌شود (۲۵: ۲۰۰۸، Najafi Abrand Abadi). در فرضیه تحقیق مکتب شیکاگو^۳، بیشتر بودن میزان بزهکاری در برخی از محله‌های شیکاگو به خاطر فقر اقتصادی ساکنان، نوع نژاد و قوم یا فرهنگ ساکنان آن محله‌ها نبوده، بلکه به دلیل وضعیت بوم‌شناختی نامطلوب آن محله‌ها و آسیب‌دیدگی مکانی و فضای آن محله‌ها بوده است (۱۷: ۲۰۱۶، Beigi). در حقیقت تفکرات این مکتب به دو موضوع اصلی توجه دارد: یکی، توزیع فعالیت‌ها در فضا و زمان در محیط شهری که چگونه مانع دستیابی به اهداف جمعی می‌شوند و دیگری، این نحوه توزیع چگونه بروجه اجتماعی افرادی که در معرض آن قرار دارند، تأثیر می‌گذارد (Ghalibaf et al., 2010: 24). بررسی موضوع‌هایی همچون کیفیت و نحوه معماری مسکن و چگونگی شهرسازی و یا محله‌های متفاوت یک شهر مبین تأثیرگذاری محیط بر بزهکاری شهری است. وجود امکانات و تسهیلات مناسب بزهکاری چون وجود برخی مجتمع‌های آپارتمانی در یک محدوده جغرافیایی باعث ترغیب و تشویق بزهکاران به انجام رفتار مجرمانه در این محدوده‌ها می‌شود. علاوه بر این، نوع و میزان جرائم شهری بستگی به نوع افرادی دارد که به این مکان‌ها جذب می‌شوند. همچنین وجود مشخصاتی چون دسترسی راحت، نبود گشت و نگهبان، عدم مدیریت اصولی و در کنار آن وجود برخی امکانات، بزهکاران را ترغیب به جنایت در برخی

مکان‌های خاص می‌نماید (۱۷۸: ۲۰۰۹، Hedayati & Abbasi). ضرورت مطالعه عوامل جغرافیایی تا جایی است که گفته می‌شود بخش اعظمی از عوامل مؤثر بر جرائم شهری به خصوص بزهکاری اطفال شامل عوامل اجتماعی است. این تأثیرپذیری تا حدی است که در صورت نامطلوب بودن زیستگاه، ضایعات و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر ساختمان شخصیت فرد وارد می‌شود و آینده او را به خطر می‌اندازد (۱۰: ۲۰۱۳، Salehi et al.). امروزه صرف نظر از تنوع و میزان بالای انحرافات در جوامع شهری، گسترش آنها در میان گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی به خصوص در میان نوجوانان و جوانان، اهمیت پرداختن به این معضل را دوچندان ساخته است. پدیده‌ای که در قالب شاخص‌هایی مانند سن، جنسیت، پایگاه اقتصادی و منزلت اجتماعی تبیین می‌گردد (Mehdinejad et al., 137: 2014). در حقیقت، جرم به طور یکسان در سراسر شهر پخش نمی‌شود و عقیده کانون‌های جرم‌خیز در سال‌های اخیر توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است (Nasar & Fisher, 1993).

مطالعات جرم‌شناسانه سال‌های اخیر هم معتقد به سه رویکرد در زمینه پیشگیری از جرم در محیط ساخته شده است که پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی به عنوان نخستین رویکرد، بر کاهش فرصت‌های جرم‌خیز از طریق تکنیک‌های برنامه‌ریزی و طراحی، تأکید می‌کند (Rostami, Madanipour, 2006).^۴ CPTED افزایش خطر بزهکاری، فرصت‌های ارتکاب جرم و تلاش‌های لازم برای ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد. اما برعکس تکنیک‌های طراحی محیط منافع احتمالی رفتار مجرمانه را کاهش داده و در نهایت فرصت‌های مجرمان برای بهانه‌گیری را کاهش می‌دهد (Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) Guideline, 2017: 5). توجه به این نکته که رفتار انسان در فضا و مکان‌های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در بسیاری موارد فضا محرک انسان در بروز رفتار مجرمانه هست، امری ضروری است (Adibi Sa'ade Nejad & Azimi, 2011: 13).

برحسب این ضرورت یاد شده، به‌عنوان هدف کلی^۵ این پژوهش، ارتباط بین زیستگاه و بزهکاری افراد تبیین و نقش زیستگاه در جغرافیای جرائم شهری ارزیابی شده است. با توجه به مهاجرت از روستا به شهر و رشد فیزیکی و کالبدی شهر میاندوآب به طور ناموزون در سطح افقی و عمودی، حاشیه آن گسترش یافته و یکی از پیامدهای این وضعیت، افزایش جرائم شهری بوده است. بررسی الگوی جغرافیای جرائم شهری و تحقیق براساس مشخصات موقعیت فضایی و مکانی بزهکاران، مبین این است که بخش‌هایی از شهر میاندوآب با میزان بسیار بالای بزهکاری مواجه بوده و در دیگر مناطق آن، میزان بزهکاری اندک یا در حد صفر است. از این رو، تعیین ارتباط بین زیستگاه و انواع جرائم ارتكابی در شهر میاندوآب، شناسایی مهم‌ترین کانون‌های ارتکاب جرائم شهری و کانون‌های جرم‌خیز و تبیین مشخصات کالبدی و اجتماعی

4 Crime Prevention through Environmental Design (CPTED).

5 General Objective.

1 Crime Prevention through Environmental Design (CPTED).
2 Criminal Ecology.
3 Chicago School.

کانون‌های جرم خیز و خصوصیات مناطق، محیط فیزیکی و عناصر اقلیمی در شهر موضوع مطالعه نیز مهم‌ترین اهداف اختصاصی^۱ تحقیق حاضر بوده است. بنابراین پاسخگویی به سؤال‌هایی مانند این‌که زیستگاه چه تأثیری در جغرافیای جرائم شهری دارد؟ و آیا زیستگاه فرد و عوامل آن در جغرافیای جرائم شهری می‌اندوآب مؤثر بوده است؟ ضرورت داشته است. در این مقاله، نقش زیستگاه بر بزهکاری شهر می‌اندوآب بر پایه نظریه‌های جرم شناختی و با مطالعه میدانی در آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. پراکندگی جغرافیای جرائم شهری

همزمان با گسترش انقلاب صنعتی در اروپا و دیگر نقاط جهان، دامنه نیازمندی‌ها رشد پیدا کرد و در نتیجه محرومیت‌های ناشی از برآورده نشدن خواست‌ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی میان نوجوانان و جوانان گردید (Sotoudeh, ۲۰۱۴: ۱۴). شناسایی مناسب‌ترین اقدام‌ها و سیاست‌های لازم به منظور پیشگیری از جرم در مناطق جرم خیز منوط به دیدگاه‌هایی است که برای تبیین جرم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این اقدام‌ها عموماً مربوط به نظریه‌های جرم هستند و بر روی فاکتورهای مکانی و محیطی ویژه‌ای متمرکز شده‌اند که جرم و جنایت در آنها رخ می‌دهد (Mahdnejad et al., ۲۰۱۴: ۱۳۶). بزهکاری به دگرگونی اجتماعی بستگی دارد و در مواردی دارای پیامدهای مناسب برای تحولات اجتماعی است. چه بسا که جنایتکاران امروز، نوآوران و رهبران فردا باشند (Shoae Kazemi, ۲۰۰۶: ۲۱). تارد^۲ معتقد بود که تمامی رفتارهای انسان در اثر تقلید آموخته می‌شود و این جامعه است که در طول حیات انسان شیوه‌های ارتکاب جرم را به فرد می‌آموزد.

یکی از مهم‌ترین مسائل در شهرهای امروز، نرخ بالای جرم و ناهنجاری و افزایش تصاعدی میزان وقوع جرم به موازات رشد جمعیت است. بروز انواع جرم، ایجاد احساس ناامنی و تحمیل مشکلات مالی و فرهنگی بر دوش جوامع، دولت‌ها و تشکیلات فضایی کشورها می‌شود (Beigi et al., ۲۰۱۵). ازدیاد جمعیت، تراکم شهرها و صنعتی شدن هر چه بیشتر جوامع، پیامدهای مثبت و منفی به همراه دارد. از آنجا که پیامدهای مثبت مقبولیت فراوان و پیامدهای منفی متولی کمتری دارند، پیامدهای منفی پدیده‌های فوق باری سنگین‌تر از پیامدهای مثبت بر دوش مسئولان جامعه می‌گذارند. جرم پیامدی منفی است که بر رفاه افراد، خانواده‌ها و جوامع تأثیرگذار است (Shams et al., ۲۰۱۲: ۱۹). پیشگامان مکتب اکولوژی شهری^۳، همه مسائل اجتماعی از جمله میزان جرائم شهری را در تفاوت‌ها و خصیصه‌های مکانی جست‌وجو می‌کردند. به نظر آنان کاربری‌های تفریحی درون شهرها و مکان‌هایی که دارای بیشترین ازدحام جمعیت ثابت و غیرثابت

هستند، نسبت به محدوده‌های دیگر از درجه جرم‌زایی بیشتری برخوردارند. مناطق درونی شهرها، شرایط محیطی مطلوبی ندارند و برای تجمع مهاجران تازه‌وارد مناسب هستند؛ به همراه زاغه‌ها و حلبی‌آبادهای اطراف شهر که دارای تراکم بالا و نامناسب‌اند، به‌عنوان مکان‌هایی با بیشترین میزان جرم و بزهکاری شناخته شده‌اند. تحقیقات صورت گرفته در خصوص تأثیر مسکن، محله و شهر در ناهنجاری‌های اجتماعی جوانان، این نکته را تأیید می‌کند که بزهکاری جوانان و ناسازگاری آنان تابعی محلی است و از محیط جغرافیایی سکونت و فعالیت آنها تأثیر می‌پذیرد (Gholamhosseini et al., ۲۰۱۳: ۳۴).

از نظر جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، موج مهاجرت‌های بی‌رویه و نبود سازمان‌دهی در زمینه حرکت جمعیت، عوامل مهمی در پیدایش تمرکزهای جمعیتی و اشاعه بزهکاری‌های شهری محسوب می‌شود. مهاجران حاشیه‌نشین قشر فقیری را تشکیل می‌دهند که با مسائلی مانند بهداشت ناکافی، انحرافات مختلف، نابرابری، بیکاری و بزهکاری روبه‌رو هستند. از آنجا که این گروه پس از مهاجرت به شهر به سختی می‌توانند خود را با قوانین و شرایط زندگی شهری و از همه مهم‌تر فرهنگ آن سازگار کنند، در دام عوامل مخرب اجتماعی گرفتار می‌شوند. برخی از صاحب‌نظران از این وضعیت با عنوان «آپاندیس شهر» یاد می‌کنند و حل مسائل شهری را در گروهی حل آن می‌دانند. مناطق حاشیه‌ای شهرها بیش از سایر مناطق، مخفیگاه انواع فعالیت‌های غیرقانونی و اغلب با جرائم بیشتری نسبت به مناطق درونی شهر هستند (Latifi & Bastamian, ۲۰۱۲: ۳۱). شاو و مکی به این نتیجه رسیدند که تبهکاری در مناطق فقیرنشین و شلوغ به علت وجود خرده‌فرهنگ‌های جرم‌زا بیشتر از مناطق متوسط یا اعیان‌نشین است. این فرآیند شهری، دلیل تمرکز جمعیت و بزهکاری در ناحیه انتقال جمعیت است که به بی‌سازمانی اجتماعی منتهی می‌شود و نشانه‌های آن عبارتند از بزهکاری، روسپی‌گری، قماربازی، مصرف غیرقانونی داروهای مخدر، مصرف مشروبات الکلی، پرخاشگری و خانواده‌های ازهم‌گسیخته. این کج‌رفتاری‌ها به این دلیل در مرکز تجارت و بازرگانی رخ می‌دهند که در مراکز انتقال و جابه‌جایی جمعیت، کنترل اجتماعی وجود دارد و کنترل‌هایی از قبیل افکار عمومی، نظارت همگانی و کنترل خانوادگی آن قدر قوی نیستند که از پیدایش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی پیشگیری کنند (Sotoudeh, ۲۰۱۶: ۴۱).

خصیصه‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی-اقتصادی در مورد مکانی که بزهکاران در آن زندگی می‌کنند، یکی از عناصر اصلی اکولوژی جرم محسوب می‌شود. دیگر عنصر اکولوژی جرم مشتمل بر مکانی است که بزه در آن اتفاق می‌افتد (White, 1932 / Lottier, 1938). مسئله میزان جرم و جنایت در شهرها از دیدگاه‌های مختلفی بررسی شده است. دو دسته نظریه در این زمینه وجود دارد، نظریه‌هایی که به بیان رابطه میان کیفیت محیط کالبدی و فیزیکی شهرها و میزان جرم و جنایت توجه دارند. بر اساس این نظریه، میزان بروز تبهکاری در شهر بیشتر مربوط به کیفیت شهرسازی است تا اثر خود

- 1 Specific Objectives.
- 2 Gabriel Tarde.
- 3 School of Urban Ecology.

شهرنشینی. دسته دوم شامل نظریه‌هایی است که به رابطه میان میزان افزایش و تراکم جمعیت و عوامل اجتماعی و فرهنگی با جرم و جنایت پرداخته‌اند (۱۲: ۲۰۱۲، Latifi & Busatian). تحلیل جغرافیایی «کانون‌های جرم خیز» فرایند نمایش، شناسایی و تعیین حدود محدوده‌های تراکم و تمرکز بزهکاری در سطح شهرهاست و بدین طریق سعی می‌شود ضمن شناسایی عوامل این تمرکز، اقدام به ارائه راهبردها و سیاست‌های مناسب برای حذف یا کاهش اثر این عوامل نموده و از وقوع بزه در این محدوده‌ها در آینده پیشگیری کرد. این شیوه تحلیل به شناسایی بهتر نقاط جرم‌خیز و الگوهای مختلف بزهکاری برای بهره‌برداری دست‌اندرکاران قضایی و انتظامی می‌تواند کمک نماید (Tavakkoli, ۲۰۰۵: ۱۱). رایج‌ترین درک عمومی بر این باور است که کانون‌های جرم‌خیز مناطقی هستند که در آن، میزان بالاتری از حد متوسط رویدادهای آشوب یا جنایی روی می‌دهد یا مناطقی که خطرهای خشونت و جرائم دارای میزان بسیار بالاتری از حد متوسط است. افزون بر این، کانون‌های جرم‌خیز دارای شدت و ضعف هستند، برای نمونه نقاط سرد به مکان‌ها یا مناطقی گفته می‌شود که میزان جرائم آشوب و بی‌نظمی پایین‌تر از مقدار متوسط باشد. همچنین شماری از کانون‌های جرم‌خیز ممکن است میزان وقوع جرائم، آشوب و بی‌نظمی در آنها شدیدتر باشد (Meshkini et al., ۲۰۱۱: ۲۱).

۲.۲. جایگاه زیستگاه در نظریه‌های جرم‌شناسی

زیستگاه و محیط زندگی که در بزهکاری افراد نقش اساسی دارد، در تئوری‌های جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی همواره مورد توجه بوده است. منظور از زیستگاه، فاکتورهای مکانی و محیطی هست که در وقوع جرم مؤثر است. زونگ و همکاران در تحقیقی در شانگهای چین، با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی ArcGIS الگوی جرائم در مناطق متروپلیس را مورد بررسی قرار داده‌اند و یافته‌های تحقیق آنها حاکی از این است که در شانگهای، میدان‌ها، کانون‌های جرم‌خیز هستند و بافاصله گرفتن از این میدان‌ها جرائم کاهش و در بخش مرکزی افزایش پیدا می‌کند، (Zhong et al 2011). وانگ و همکاران نیز در پژوهش خود دریکی از شهرستان‌های ایالت متحده آمریکا با استفاده از الگوی افتراق مکانی به ارزیابی توزیع فضایی جرم پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مدل HOTA در شناسایی نقاط جرم‌خیز دقیق‌تر از مدل HSA عمل کرده است (Wang et al, 2013). بدین ترتیب طی دو دهه اخیر در نگرش و سیاست‌های پیشگیرانه جرم‌شناسان برای مقابله با بزهکاری شهری، تغییرات مهمی به وقوع پیوسته است. مطابق این نگرش برای پیشگیری از جرم، علاوه بر بزهکار باید مکان وقوع بزه نیز مورد تأکید قرار گیرد تا با حذف فرصت‌های مجرمانه در محیط جغرافیایی، امکان به حداقل رساندن نرخ بزهکاری فراهم شود (Weisburd et al., 2004: 62).

اقلیم جرم همیشه از ماهیت ثابت و فضای کالبدی خاص با محدودیت‌های فیزیکی برخوردار است. اقلیم هر منطقه را می‌توان

مجموعه منظمی از پوشش گیاهی، میزان بارش، حرارت، دما و تابش آفتاب آن منطقه تعریف کرد (Mukhani Rahimi & Ferbar, 2013: 64). یکی از عوامل مؤثر در وقوع جرم، محیط اجتماع و زندگی است و بررسی موضوع‌هایی همچون کیفیت و نحوه معماری مسکن و چگونگی شهرسازی در جوامع و شهرهای مختلف یک کشور و یا محله‌های متفاوت یک شهر مبین تأثیرگذاری محیط بر بزهکاری است. نوع و کیفیت معماری و شهرسازی در کاهش یا افزایش وقوع جرائم تأثیر بسیاری دارد؛ هرچند در تصویب قوانین به این موضوع توجه چندانی نشده است. شهرسازی و نیز معماری ساختمان‌ها رابطه مستقیمی با جرم دارد. از این روست که برخی کشورها در حوزه معماری جنایی به‌گونه‌ای علمی عمل می‌کنند و در طراحی ساختمان‌ها و شهرها توجه ویژه‌ای به این موضوع دارند که این توجه سبب پیشگیری از بروز جرم و جنایت تا حد ممکن می‌شود (2: 2015، Alavi & Haeri). چون هدف از تحقیق حاضر، ارزیابی نقش زیستگاه در جغرافیای جرائم شهری با مطالعه موردی شهر میاندوآب بوده است، به منظور بررسی تأثیر کیفیت محیط شهری بر روابط اجتماعی شهروندان از جمله جرائم ارتكابی در سطح محله‌های شهر میاندوآب، بهتر است به جای اصطلاح «اقلیم ۲» از واژه «محیط ۲» استفاده شود. چراکه محیط شهری مطلوب موجبات پویایی محله و حضور بیشتر ساکنان در عرصه‌های شهری را فراهم می‌کند و بدین طریق امنیت محیط و حس تعلق خاطر شهروندان افزایش می‌یابد (Tagvaei et al., ۲۰۱۳: ۴۳).

فضاهای شهری امروزی مؤلفه‌ای برای وقوع ناهنجاری‌های شهری و در نتیجه عدم وقوع امنیت در شهرند، بنابراین جنبه‌های کیفی و کمی امنیت چه از لحاظ کالبدی و چه از لحاظ اجتماعی در فضاهای شهری امری ضروری است. از آنجا که کیفیت معماری و شهرسازی برمنش و خلق و خوی انسان‌ها تأثیر فراوانی می‌گذارد (به نحوی که افراد ساکن در یک شهر فاسد و منحرف امکان رشد و تعالی ندارند و برعکس) به منظور ایجاد فضاهای شهری امن، نقش شهرسازان و معماران از یک طرف و نیز مجریان طرح‌های شهری از طرف دیگر، پررنگ‌تر است. لازم است با درک و شناخت درست و برنامه‌ریزی و طراحی محیطی و قابلیت آن در پیشگیری از جرائم، تلاش نمود و سعی در کاهش زمینه‌های بروز جرم کرد. به طور کلی تحقیق این شرایط به نوبه خود موجب کاهش انگیزه بزهکاران نیز خواهد شد (1: ۲۰۱۵، Ganji). بنابراین با طراحی صحیح و اصولی و استفاده مناسب و مؤثر از محیط ساخته شده به وسیله انسان، امکان کاهش میزان بزهکاری، افزایش امنیت و در نهایت بهبود کیفیت زندگی بشر فراهم می‌شود (Beigi & Yazdani, ۲۰۱۵). طراحی شطرنجی شهرها یکی از عوامل تشدید وقوع جرم محسوب می‌شود و میزان امنیت را کاهش می‌دهد. این نوع طراحی، باعث ایجاد فضاهای فرار در شهرها می‌شود و میزان امنیت را کاهش می‌دهد. در ساختار جدید شهرنشینی و شیوه جدید اسکان و آپارتمان‌نشینی که در آن افراد نسبت به

2 Climate.

3 Environment.

1 Crime Hotspots.

هم غریبه هستند و همدیگر را نمی‌شناسند، به همین دلیل مجرم به راحتی می‌تواند وارد این بافت‌های شطرنجی شود، جرم خود را انجام دهد و سپس از هر نقطه‌ای که دلش خواست خارج شود (۷۴: ۲۰۱۵، Hataminejad et al.). به همین خاطر با در نظر گرفتن تئوری فضای قابل دفاع^۱ در مورد نحوه کنترل مجتمع‌ها و ساختمان‌های در معرض خطر از لحاظ ارتکاب جرم به دلیل وجود فضاهای جرم خیز متعدد و غیرقابل کنترل می‌توان با ایجاد رویکردهای نو در زمینه شهرسازی، عمران و معماری و با اصلاح نوع طراحی واحدهای مسکونی و با در نظر گرفتن وضعیت ساختمان‌ها و مجتمع‌های همجوار آن از ارتکاب جرائم علیه اشخاص و اموال پیشگیری نمود (Dadashi Chakan et al., ۲۰۱۵). آثاری همچون تراکم جمعیت محلات حاشیه‌نشین، عدم پیش‌بینی استقرار نهادهای نظارتی و انتظامی، گرایش بزهکاران به سکونت در این نواحی از شهر، استقرار خانواده‌های بی‌سرپرست و ده‌ها مورد دیگر از مواردی هستند که در اثر ضعف شهرداری‌ها در کنترل ساخت‌وساز حاشیه شهرها پدیدار می‌گردند. بنابراین انجام صحیح وظایف نظارتی بر عمران و آبادانی حاشیه شهرها و جلوگیری از خلق شبانه‌بناهای احداثی و بدون برنامه، می‌تواند تا حد قابل توجهی از تجمع بزهکاران در این محله‌ها جلوگیری نماید. اگرچه بخش زیادی از ساکنان این محلات به علت پایین بودن قیمت املاک در این مناطق سکنی می‌گزینند، ولی چنانچه این مناطق مطابق اصول شهرسازی ساخته شود و دست‌کم معبر بندی و جانمایی مراکز آموزشی، نظارتی و کنترلی از قبل تعیین و طراحی گردد، تا حد زیادی می‌توان از رشد و تبلور بزهکاران بالقوه جلوگیری نمود. چراکه بدون شك اجتماع، تأثیر عمده‌ای بر رفتار فرد داشته و رفتار انسان به واسطه محیط اجتماعی و فیزیکی افراد و نه ساختار ژنتیکی آنها، توسعه می‌یابد و تغییر می‌کند. اگرچه وقوع سرقت بیشتر در محله‌های مرفه‌نشین صورت می‌گیرد، اما اکثر متهمان این پرونده‌ها در مناطق حاشیه شهر ساکن هستند و مضافاً این‌که این محله‌ها بهترین مکان برای اختفاء اموال مسروقه محسوب می‌گردند (Amiri Raskona & Ashiriya, 2014: 20).

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق برحسب هدف، کاربردی و برحسب نوع داده‌ها، از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل حدود ۲۶۸ نفر از بزهکارانی است که تمامی جرائم ارتکابی در محدوده قانونی شهر میاندوآب طی بازه زمانی «اول فروردین تا شهریور ۱۳۹۵» در کلانتری‌ها و واحدهای اجرایی ناجا مورد بازداشت موقت و با روانه زندان شده‌اند و در مورد آنها پرونده تشکیل و ثبت گردیده است. از بین پرونده این افراد با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۱۲۲ نفر به عنوان نمونه تعیین شدند (جدول شماره ۱). برای گردآوری داده‌ها از روش میدانی در این پژوهش استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و آزمون، سؤال‌های تحقیق از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد. با استفاده از آمارهای توصیفی مانند درصد، میانگین و انحراف معیار برای توصیف یافته‌ها و در روش استنباطی از آزمون پیرسون و رگرسیون چندگانه برای پاسخ‌دهی به سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است. به منظور تعیین روایی پرسشنامه، پس از مذاکره و استماع نظر صاحب‌نظران، کارشناسان برنامه‌ریزی شهری و مطلعین امر شهرسازی، پرسشنامه محقق ساخته برای ارزیابی نقش زیستگاه در جغرافیای جرائم شهری میاندوآب تهیه شده است. در این تحقیق پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش A کرونباخ محاسبه و مشاهده گردید که بالاتر از ۰/۷ بوده است؛ بنابراین براساس مطالعات روش تحقیق، پرسشنامه تحقیق حاضر از پایایی خوبی برخوردار بوده است (Khaki, ۲۰۱۷).

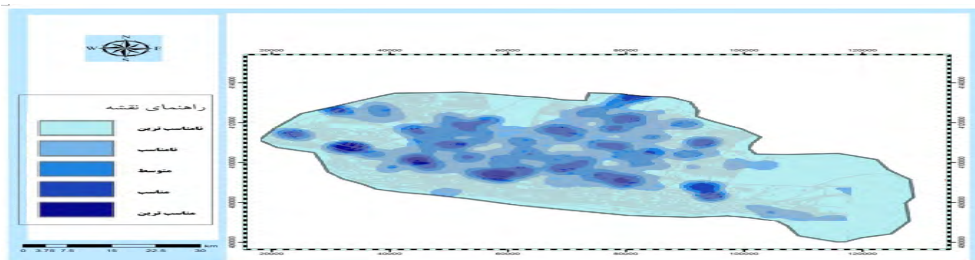
۴. بحث و یافته‌ها

۴/۱. جغرافیای جرائم شهری میاندوآب

با بررسی الگوی جغرافیای جرائم شهری و تحقیق بر پایه مشخصات موقعیت فضایی و مکانی بزهکاران، مشخص شد که بخش‌هایی از شهر میاندوآب با میزان بسیار بالای بزهکاری مواجه است و در دیگر مناطق شهر، میزان بزهکاری اندک یا در حد صفر است. در تصویر شماره ۱، کانون‌های جرائم ارتکابی بزهکاران به

جدول شماره ۱: مشخصات توصیفی جامعه نمونه

حجم نمونه آماری	قلمرو زمانی تحقیق	قلمرو مکانی تحقیق	وضعیت افراد
۱۲۲ نفر	اول فروردین تا شهریور سال ۱۳۹۵	کلانتری‌ها و واحدهای اجرایی ناجا در شهر میاندوآب	بزهکاران تحت بازداشت موقت یا زندان



تصویر شماره ۱: توزیع فضایی کانون‌های تمرکز بزهکاران در سطح شهر میاندوآب با استفاده از تخمین تراکم کرنل

روش تخمین تراکم کرنل در شهر میاندوآب نشان داده شده که به پنج بخش تقسیم شده است. مناسبترین مکان بزهکاری با رنگ آبی تیره مشخص شده است. مناطقی مثل کوی قره ورن، کوی ولی آباد، خیابان جانبازان و کوی وکیل کندی، مناسبترین مکان های جرائم ارتكابی بزهکاران هستند.

۴/۲. وضعیت جرم خیزی شهر میاندوآب

با توجه به مهاجرت از روستا به شهر و رشد فیزیکی و کالبدی شهر میاندوآب به طور ناموزون در سطح افقی و عمودی، حاشیه آن گسترش یافته و یکی از پیامدهای این وضعیت، افزایش جرائم شهری است. طبق بررسی های میدانی، بزههایی مانند سرقت، جرائم علیه اموال و جرائم بر ضد نظم عمومی جامعه از مهم ترین جرائم ارتكابی این شهر است که آمار وقوع و کشف قابل ملاحظه ای را در میان سایر جرائم به خود اختصاص داده اند و متأسفانه موجب بروز مشکلات متعدد و تحمیل هزینه های مادی و معنوی گزافی بر شهروندان و مسئولان انتظامی و قضایی شده است.

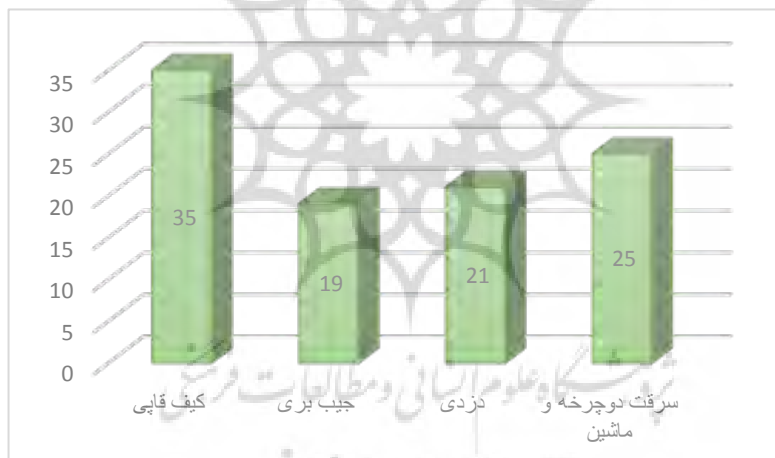
۴/۲/۱. ارتكاب انواع سرقت

یافته های تحقیق نشان داد که مهم ترین کانون های ارتكاب انواع جرائم مرتبط با سرقت شامل کیف قاپی، جیب بری، دزدی

و سرقت دوچرخه و ماشین بوده است. نتایج طبق جدول شماره ۲، نشان می دهد که حدود ۳۵ درصد (۴۳ نفر) از بزهکاران، مرتکب کیف قاپی، ۱۹ درصد (۲۳ نفر) مرتکب جیب بری، ۲۱ درصد (۲۶ نفر) مرتکب دزدی و ۲۵ درصد (۳۰ نفر) آنان نیز مبادرت به سرقت دوچرخه و ماشین نموده اند. بنابراین بیشتر پاسخگویان، مرتکب کیف قاپی شده اند.

۴/۲/۲. ارتكاب سایر جرائم علیه اموال

یافته های تحقیق نشان داد که مهم ترین کانون های ارتكاب سایر جرائم علیه اموال شامل کلاهبرداری، خیانت در امانت، صدور چک پرداخت نشدنی و تخریب اموال عمومی بوده است. نتایج طبق جدول شماره ۳، نشان می دهد که حدود ۱۶ درصد (۲۰ نفر) از بزهکاران مرتکب کلاهبرداری، ۱۹ درصد (۲۳ نفر) مرتکب خیانت در امانت و ۱۲ درصد (۱۵ نفر) مرتکب صدور چک ۵۳ درصد (۶۴ نفر) آنان نیز مرتکب تخریب اموال عمومی مانند شکستن روشنایی معابر، جاده ها و اماکن عمومی و شکستن صندلی پارک های عمومی و شیشه درب پنجره و وارد ساختن خسارت به علائم راهنمایی و رانندگی و خش انداختن به وسایل نقلیه و پاره کردن روکش صندلی ها شده اند. بنابراین بیشتر بزهکاران با توجه به اقتضای سنی شان، مرتکب تخریب اموال عمومی شده اند.



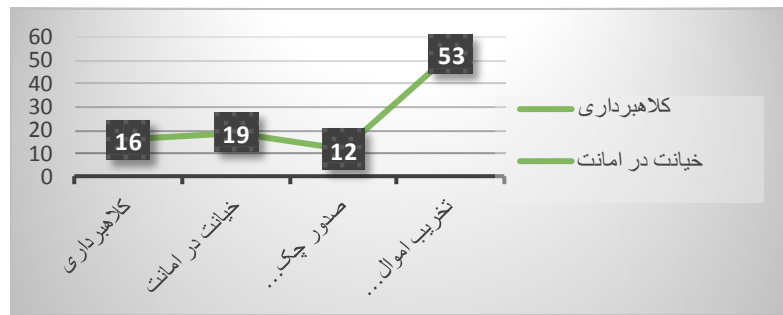
نمودار شماره ۱: آمار توصیفی پاسخگویان بر حسب نوع سرقت

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع سرقت

نوع سرقت	فراوانی	درصد
کیف قاپی	۴۳	۳۵
جیب بری	۲۳	۱۹
دزدی	۲۶	۲۱
سرقت دوچرخه و ماشین	۳۰	۲۵
جمع	۱۲۲	۱۰۰

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ارتكاب سایر جرائم علیه اموال

نوع جرائم اموال	فراوانی	درصد
کلاهبرداری	۲۰	۱۶
خیانت در امانت	۲۳	۱۹
صدور چک پرداخت نشدنی	۱۵	۱۲
تخریب اموال عمومی	۶۴	۵۳
جمع	۱۲۲	۱۰۰



نمودار شماره ۲: آمار توصیفی پاسخگویان برحسب ارتکاب سایر جرائم علیه اموال

۴،۲،۳. جرائم علیه عفت و نظم عمومی جامعه

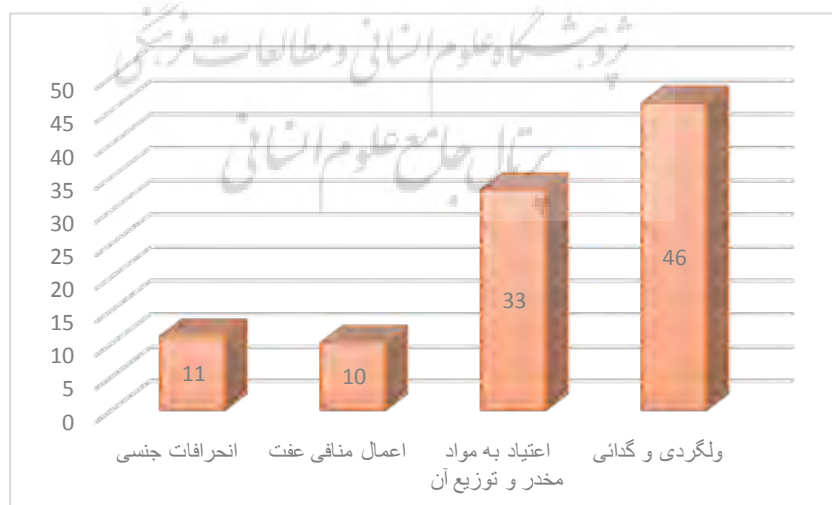
یافته‌های تحقیق نشان داد که مهم‌ترین کانون‌های ارتکاب انواع جرائم مرتبط با نظم عمومی جامعه شامل انحرافات جنسی، اعمال منافی عفت، اعتیاد به مواد مخدر و توزیع آن و ولگردی و تکدی‌گری بوده است. نتایج طبق جدول شماره ۴، نشان می‌دهد که حدود ۱۱ درصد (۱۳ نفر) از بزهکاران انحرافات جنسی، ۱۰ درصد (۱۰ نفر) مرتکب اعمال منافی عفت، ۳۳ درصد (۴۲ نفر) مرتکب اعتیاد به مواد مخدر و توزیع آن و ۴۶ درصد (۵۷ نفر) آنان نیز به ولگردی و تکدی‌گری اشتغال داشته‌اند. بنابراین بیشتر بزهکاران به دلایلی از جمله بیکاری و عدم توجه خانواده‌ها، مرتکب ولگردی و تکدی‌گری شده‌اند.

۴،۲،۴. سایر جرائم

یافته‌های تحقیق نشان داد که بزه‌هایی همچون جرائم رایانه‌ای (جاسوسی^۱، افترا و نشر اطلاعات، کپی‌رایت^۲ و...)، جرائم خیابانی (نزاع، درگیری خیابانی، زورگیری و...)، جرائم یقه‌سفیدی^۳ (سوءاستفاده از مقام، جعل اسناد، ارتشاء، اختلاس و...) و جرائم سازمان یافته^۴ (معاملات غیرقانونی، تبه‌کاری بانندی و...) نیز در شهر میاندوآب رواج داشته است. نتایج براساس نظر پاسخگویان و طبق جدول شماره ۵، نشان می‌دهد که جرائم حدود ۱۶ درصد (۱۹ نفر) مربوط به جرائم رایانه‌ای، ۴۱ درصد (۵۰ نفر) مربوط به جرائم خیابانی، ۲۸ درصد (۳۵ نفر) مربوط به جرائم یقه‌سفیدی و ۱۵ درصد (۱۷ نفر) نیز مربوط به جرائم سازمان یافته بوده است. بنابراین بیشترین جرائم در شهر میاندوآب مربوط به جرائم خیابانی بوده است.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نوع جرائم علیه عفت و نظم عمومی جامعه

نوع جرائم	فراوانی	درصد
انحرافات جنسی	۱۳	۱۱
اعمال منافی عفت	۱۰	۱۰
اعتیاد به مواد مخدر و توزیع آن	۴۲	۳۳
ولگردی و تکدی‌گری	۵۷	۴۶
جمع	۱۲۲	۱۰۰

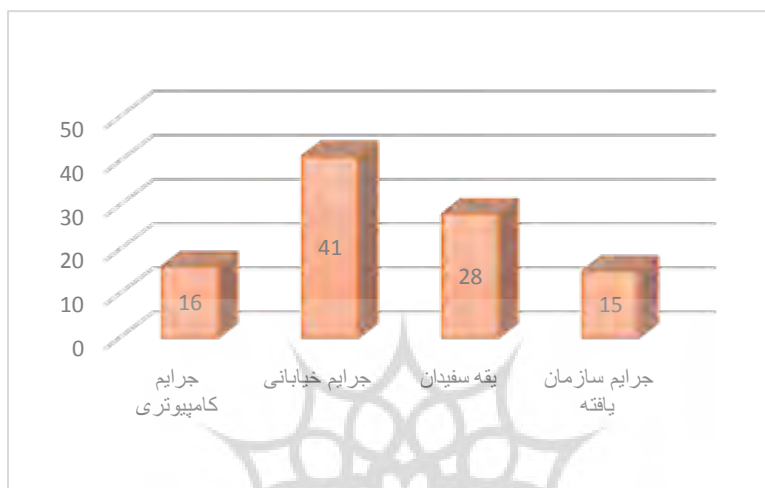


نمودار شماره ۳: آمار توصیفی پاسخگویان برحسب نوع جرائم علیه عفت و نظم عمومی جامعه

- 1 Espionage.
- 2 Copy Right.
- 3 White collar crimes.
- 4 Organized crimes.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب انواع جرائم

درصد	فراوانی	انواع جرائم
۱۶	۱۹	جرائم رایانه‌ای (جاسوسی، افترا و نشر اطلاعات، کپی‌رایت و...)
۴۱	۵۰	جرائم خیابانی (نزاع، درگیری خیابانی، زورگیری و...)
۲۸	۳۵	جرائم یقه‌سفیدی (سوءاستفاده از مقام، جعل اسناد، ارتشاء، اختلاس و...)
۱۵	۱۷	جرائم سازمان یافته (معاملات غیرقانونی، تبه‌کاری باندی و...)
۱۰۰	۱۲۲	جمع



نمودار شماره ۴: آمار توصیفی پاسخگویان برحسب انواع جرائم

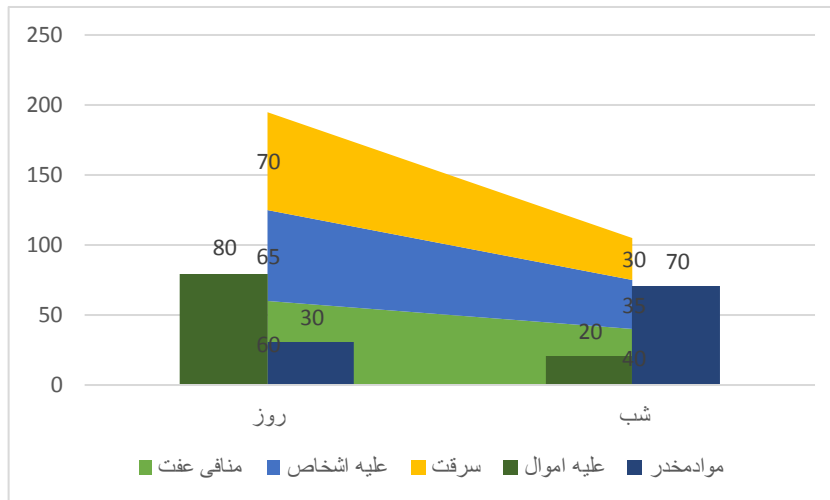
اختلاف بین زمان وقوع جرائم در گروه‌های مختلف جرم، این است که برخی فعالیت‌های مجرمانه در هنگام روز و در معابر پر رفت‌وآمد و همراه با تراکم بالای جمعیت رخ می‌دهد که کیف زنی و جیب‌بری از جمله این جرائم بوده است. به نظر می‌رسد تعداد کمتر جرائم وقوع یافته در شب نظیر مبادله و خرید و فروش مواد مخدر نیز از این واقعیت ناشی می‌شود که بسیاری از جرائم به دلیل تاریکی و عدم امکان کنترل در هنگام شب، رخ می‌دهد.

۴.۳. زمان وقوع جرائم

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های دریافتی، براساس مشخصات زمان وقوع برحسب نوع جرائم بزه‌کاران طبق جدول شماره ۶، زمان وقوع برحسب نوع بزه متفاوت بوده است. به طور مثال جرائمی مانند منافی عفت (۶۰ درصد)، علیه اشخاص (۶۵ درصد)، سرقت (۷۰ درصد) و سایر جرائم علیه اموال (۲۰ درصد) در طول روز اتفاق افتاده است. در حالی که جرائمی مثل مواد مخدر (۷۰ درصد) در شب انجام یافته است. بنابراین به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلایل

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب زمان وقوع جرائم

درصد واقعی	نوع جرائم	زمان وقوع
۶۰	منافی عفت	روز
۶۵	علیه اشخاص	
۷۰	سرقت	
۸۰	سایر جرائم علیه اموال	
۳۰	مواد مخدر	شب
۴۰	منافی عفت	
۳۵	علیه اشخاص	
۳۰	سرقت	
۲۰	سایر جرائم علیه اموال	
۷۰	مواد مخدر	



نمودار شماره ۵۵: آمار توصیفی پاسخگویان برحسب زمان وقوع جرائم

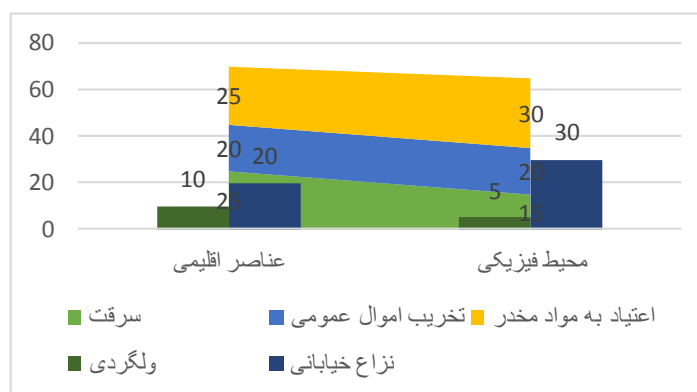
۴.۴. تأثیر اقلیم بر انواع بزهکاری

۲۵ درصد از سرقت، ۲۰ درصد تخریب اموال عمومی، ۲۵ درصد اعتیاد به مواد مخدر، ۱۰ درصد ولگردی و ۲۰ درصد نزاع خیابانی ناشی از عناصر اقلیمی بوده است. حدود ۱۵ درصد از سرقت، ۲۰ درصد تخریب اموال عمومی، ۳۰ درصد اعتیاد به مواد مخدر، پنج درصد ولگردی و ۳۰ درصد نزاع خیابانی نیز ناشی از محیط فیزیکی بوده است.

یافته‌های تحقیق نشان داد، اقلیم که شامل عناصر اقلیمی (باد، بارش و رطوبت هوا) و محیط فیزیکی (تغییرات آب و هوایی، سرمایش و گرمایش و امنیت ساختمان و ...) است، بر وقوع بزهکاری مانند سرقت، تخریب اموال عمومی، اعتیاد به مواد مخدر، ولگردی و نزاع خیابانی تأثیر داشته است. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های دریافتی طبق جدول شماره ۷، از نظر پاسخگویان حدود

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تأثیر اقلیم بر انواع بزهکاری

درصد	نوع جرائم	اقلیم
۲۵	سرقت	عناصر اقلیمی
۲۰	تخریب اموال عمومی	
۲۵	اعتیاد به مواد مخدر	
۱۰	ولگردی	
۲۰	نزاع خیابانی	
۱۵	سرقت	محیط فیزیکی
۲۰	تخریب اموال عمومی	
۳۰	اعتیاد به مواد مخدر	
۵	ولگردی	
۳۰	نزاع خیابانی	



نمودار شماره ۶۶: آمار توصیفی پاسخگویان برحسب تأثیر اقلیم بر انواع بزهکاری

۴٫۵. ویژگی های اماکن وقوع جرم

با توجه به تجزیه و تحلیل داده های دریافتی طبق جدول شماره ۸، از نظر پاسخگویان، بیشترین اماکن وقوع جرم عمدتاً در مناطقی با خصوصیت مهاجرپذیری، پایین بودن درآمد خانوادگی، پایین بودن سطح تحصیلات، تراکم خانه های قدیمی با قیمت نازل، وجود اقشار زیاد جمعیت کارگری، ناهمگونی قومی و تراکم جمعیت خانواری بالا بوده است که تقریباً به عنوان مناطق پرخطر در بین عامه مشهورند و همه این عوامل را می توان زمینه ساز بروز جرم دانست.

۴٫۶. مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون های جرم خیز شهر

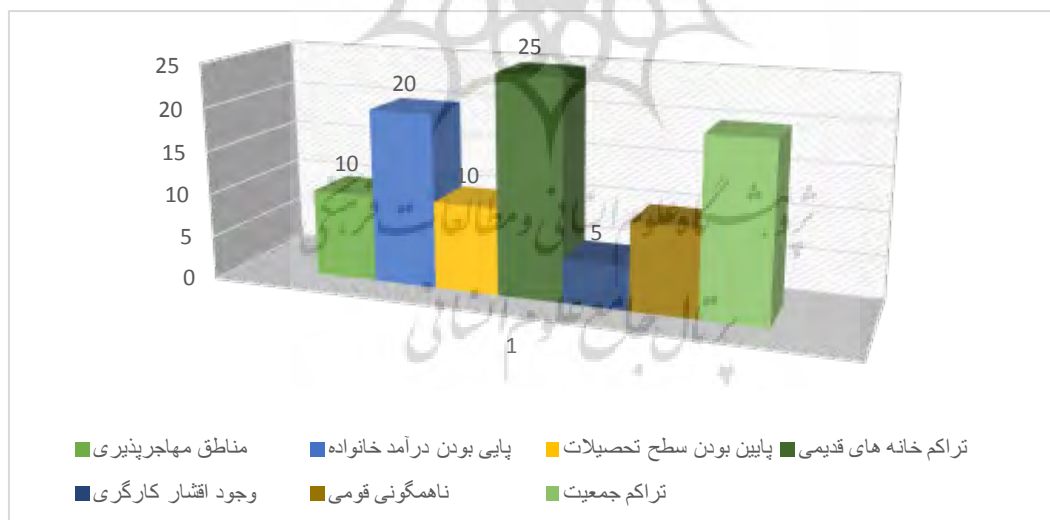
میان دو آب

یافته های تحقیق نشان داد که مهم ترین ویژگی های کالبدی یا عوامل مکانی مؤثر، ترغیب کننده یا تسهیل کننده بزه کاری در این شهر شامل عدم نورپردازی کافی معابر، عدم وجود مراکز تفریحی

و گذران اوقات فراغت، عدم طراحی مناسب ساختمان ها و وجود کوچه های باریک، عدم حضور و نظارت پلیس و عدم به کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری های نوین نظارتی بوده است. نتایج تحقیق طبق نظر پاسخگویان و جدول شماره ۹ نشان می دهد که از عوامل کالبدی و اجتماعی تسهیل کننده بزه کاری، حدود ۱۱ درصد (۱۲ نفر) مربوط به عدم نورپردازی کافی معابر، ۱۰ درصد (۱۱ نفر) به عدم وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، ۴۵ درصد (۵۶ نفر) به عدم طراحی مناسب ساختمان ها و وجود کوچه های باریک و ۳۴ درصد (۴۳ نفر) نیز مربوط به عدم حضور و نظارت پلیس و عدم به کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری های نوین نظارتی بوده است. بنابراین از نظر بزه کاران، عامل اصلی مشخصات کالبدی و اجتماعی وقوع بزه، عدم طراحی مناسب ساختمان ها و وجود کوچه های باریک بوده است. بنابراین در وقوع جرم در میان دو آب، عوامل کالبدی بیشتر از عوامل اجتماعی نقش دارد.

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب بیشترین اماکن وقوع جرم

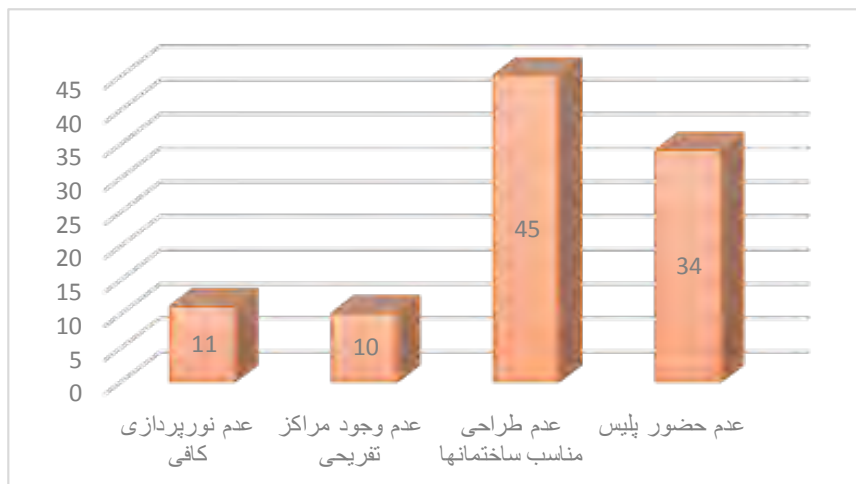
درصد	خصوصیات اماکن وقوع جرم
۱۰	مناطق مهاجرپذیری
۲۰	پایین بودن درآمد خانوادگی
۱۰	پایین بودن سطح تحصیلات
۲۵	تراکم خانه های قدیمی با قیمت نازل
۵	وجود اقشار زیاد جمعیت کارگری
۱۰	ناهمگونی قومی
۲۰	تراکم جمعیت خانواری بالا



نمودار شماره ۷: آمار توصیفی پاسخگویان برحسب بیشترین اماکن وقوع جرم

جدول شماره ۹: مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون های جرم خیز شهر میان دو آب

درصد	فراوانی	مشخصات کالبدی و اجتماعی
۱۱	۱۲	عدم نورپردازی کافی معابر
۱۰	۱۱	عدم وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت
۴۵	۵۶	عدم طراحی مناسب ساختمان ها و وجود کوچه های باریک
۳۴	۴۳	عدم حضور و نظارت پلیس و عدم به کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری های نوین نظارتی
۱۰۰	۱۲۲	جمع



نمودار شماره ۸: مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون‌های جرم خیز شهر میاندوآب

۴.۷. آمار استنباطی

برای پاسخگویی به سؤال‌ها و بررسی فرضیه‌های تحقیق، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss و آزمون‌های آماری تحلیل و بررسی شده است. به منظور بررسی این فرضیه که «بین زیستگاه افراد با بزهکاری آنان رابطه وجود دارد»، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها طبق جدول (۱۰) نشان داد که ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۶۴۶ و در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است ($p = ۰/۰۴۲$) و رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود دارد. بنابراین فرضیه مبنی بر ارتباط بین زیستگاه افراد با بزهکاری آنان، تأیید می‌شود. میزان شدت ارتباط این دو متغیر ۰/۶۴۶ و در سطح بالایی ارزیابی می‌شود.

جدول شماره ۱۰: ضریب همبستگی پیرسون بین زیستگاه افراد با بزهکاری آنان

متغیر	شاخص‌های آماری	بزهکاری
زیستگاه	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۴۶
	سطح معناداری دو دامنه	۰/۰۴۲
	تعداد	۱۲۲

۴.۸. تحلیل رگرسیون چندگانه

برای تعیین بیشترین عامل مؤثر از بین مؤلفه‌های زیستگاه بر بزهکاری، از رگرسیون چندگانه استفاده گردید. در تحقیقاتی که از تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود، هدف معمولاً پیش‌بینی یک یا چند متغیر ملاک از بین یک یا چند متغیر پیش‌بین است. ضریب همبستگی برای بررسی وجود رابطه بین چند متغیر به کار می‌رود و نمی‌تواند میزان تأثیر متغیر ملاک را از متغیر پیش‌بین، پیش‌بینی کند، به همین دلیل برای پیش‌بینی میزان تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده گردیده است.

به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای پیش‌بین «مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون‌های جرم خیز، خصوصیات اماکن مناطق، محیط فیزیکی و عناصر اقلیمی»، در تبیین متغیر ملاک (بزهکاری)، از رگرسیون چندگانه به روش اینتر استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد که حدود ۳۲ درصد از تغییرات مربوط به متغیر ملاک (بزهکاری) به وسیله متغیرهای بیان شده صورت پذیرفته که ضرایب متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون چند متغیره هم طبق جدول شماره ۱۲ بوده است.

جدول شماره ۱۱: ضریب خلاصه مدل رگرسیونی به روش اینتر

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار	F	سطح معناداری
۰/۳۰۱	۰/۵۷۲	۰/۳۲۰	۱۳/۶۶	۱۳/۶۷۴	۰/۰۰۱

جدول شماره ۱۲: ضرایب متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون چند متغیره

ضریب همبستگی چنگانه	ضریب بی	انحراف معیار	ضریب بتا	مقدار تی	سطح معناداری
مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون‌های جرم خیز (X)	۰/۵۰۲	۰/۱۴۶	۰/۲۵۲	۳/۴۴۰	۰/۰۰۲
خصوصیات اماکن مناطق (X)	۰/۳۶۱	۰/۱۵۴	۰/۱۶۴	۲/۳۴۹	۰/۰۳۰
محیط فیزیکی (X)	۰/۱۲۷	۰/۱۴۶	۰/۰۶۴	۰/۸۶۹	۰/۲۸۹
عناصر اقلیمی (X)	۰/۱۸۵	۰/۱۴۵	۰/۰۹۴	۱/۲۷۵	۰/۳۰۲
عدد ثابت	۲۵/۸۰۰	۵/۵۴۸	-	۴/۶۶۵	۰/۰۰۰

۵. نتیجه‌گیری

رفتار انسان در فضا و مکان‌های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در موارد زیادی، فضا محرک انسان در بروز رفتارهای مجرمانه بوده است. به همین دلیل، در مباحث نوین مطرح در مطالعات شهری و برنامه‌ریزی شهری، تلاش می‌شود تا زمینه بروز جرم در یک مکان خاص را تا حد امکان از طریق طراحی و برنامه‌ریزی صحیح برطرف نمود. در تحلیل جغرافیای جرائم شهری میاندوآب مشخص گردید که مناسب‌ترین مکان‌های جرم خیز، کوی قره ورن، کوی ولی‌آباد، خیابان جانبازان و کوی وکیل کندی بوده است. در نتیجه ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم، ساختن سالن‌های ورزشی، کتابخانه، پارک‌ها و بسیاری از مکان‌های تفریحی برای پر کردن اوقات فراغت ساکنان به خصوص جوانان این محدوده، تأثیر فراوانی در پیشگیری از وقوع بزهکاری در شهر میاندوآب خواهد داشت. نتایج تحقیق آهار و همکاران هم نشان می‌دهد که محلات دارای بافت‌های فرسوده و مناطق قدیمی، جرم‌خیزترین محلات میاندوآب هستند که به دلیل جابه‌جایی ساکنان اصلی و جایگزین شدن مهاجران فقیر روستایی، تبدیل به محله‌های خطرناک در این شهر شده‌اند (Ahar et al., 2015).

در بررسی میدانی ناظر بر وضعیت جرم‌خیزی شهرستان میاندوآب، بزه‌هایی مانند انواع سرقت، سایر جرائم علیه اموال و جرائم علیه عفت و نظم عمومی جامعه از مهم‌ترین جرائم ارتكابی این شهر بوده‌اند که آمار وقوع و کشف قابل ملاحظه‌ای را در میان سایر جرائم به خود اختصاص داده‌اند. طبق یافته‌های این تحقیق، مهم‌ترین کانون‌های ارتكاب انواع جرائم مرتبط با سرقت شامل کیف‌قاپی، جیب‌بری، دزدی و سرقت دوچرخه و ماشین بوده که بیشترین آن مربوط به کیف‌قاپی است. مهم‌ترین کانون‌های ارتكاب سایر جرائم علیه اموال شامل کلاهبرداری، خیانت‌درامانت، صدور چک پرداخت نشدنی و تخریب اموال عمومی بوده که بیشتر بزهکاران با توجه به اقتضای سنی‌شان مرتکب تخریب اموال عمومی شده‌اند. مهم‌ترین کانون‌های ارتكاب انواع جرائم مرتبط با جرائم علیه عفت و نظم عمومی جامعه شامل انحرافات جنسی، اعمال منافی عفت، اعتیاد به مواد مخدر و توزیع آن، ولگردی و تکدی‌گری بوده که بیشتر بزهکاران به دلایلی از جمله بیکاری و عدم توجه خانواده‌ها مرتکب ولگردی و تکدی‌گری شده‌اند. مهم‌ترین کانون‌های ارتكاب سایر جرائم نیز جرائم رایانه‌ای، جرائم خیابانی، جرائم بقه‌سفیدی و جرائم سازمان یافته بوده است. نتیجه بررسی کلانتری و آیت که تأثیر شرایط محیطی در نوع و میزان جرائم ارتكابی در محدوده تهران را مطالعه نموده‌اند، بیانگر وجود ارتباط معنادار بین تاریکی

لازم به توضیح است که معادله کلی بر اساس ضرایب «بی»^۲ به صورت زیر است:

$$Y = 25/800 + 0/502 X_1 + 0/361 X_2 + 0/127 X_3 + 0/185 X_4$$

اما با توجه به این‌که از بین مؤلفه‌های زیستگاه، متغیرهای محیط فیزیکی و عناصر اقلیمی معنی‌دار نشده است، در معادله رگرسیونی وارد نمی‌شوند. بنابراین با توجه به ضرایب موجود، مدل نهایی رگرسیون چند متغیره در این تحقیق بر اساس ضرایب «بی» به صورت زیر است:

$$Y = 25/800 + 0/502 X_1 + 0/361 X_2$$

همچنین با توجه به مقادیر «بتا»^۳ محاسبه شده، می‌توان پیرامون سهم هر يك از متغیرهای پیش‌بین ابعاد زیستگاه «مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون‌های جرم‌خیز، خصوصیات اماکن مناطق، محیط فیزیکی و عناصر اقلیمی» که وارد معادله خط رگرسیون در تبیین متغیر ملاک (بزهکاری) شدند، چنین بیان نمود که متغیر «مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون‌های جرم‌خیز»، بیشترین سهم و نقش را در تبیین متغیر ملاک داشته است. بدین ترتیب بررسی توزیع فضایی رفتارهای مجرمانه و تحلیل آن بر اساس معادله رگرسیون چند متغیره، وابستگی میان عوامل محیطی و شرایط اجتماعی و اقتصادی مکان‌های جرم‌خیز شهر میاندوآب را ثابت می‌کند. با این تفسیر که به دلیل ساختار کالبدی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی کانون‌های جرم‌خیز در شهر میاندوآب و ساکنان آن مکان‌ها، برای بزهکاران جرائم مالی و جرائم علیه عفت و نظم عمومی امکان و فرصت بیشتری وجود دارد. همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل بزهکاری خود در این شهر، به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتكاب رفتار مجرمانه باشند. چون ترس از جرم در این فضاها هم بیشتر است؛ بنابراین نظارت طبیعی، نظارت رسمی و استراتژی‌های نظارت مکانیکی می‌تواند در کاهش جرم و ترس از ارتكاب جرم در این فضاهای شهری مؤثر باشد (Cozens et al., 2005:331). به طور خلاصه با شناسایی شرایط مکانی به وجود آورنده و تسهیل‌کننده این فرصت‌ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم، می‌توان از وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی پیشگیری نمود (Kalantari et al., 2013: 30).

۱ معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ است.

۲ معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ است.

3 B.

4 Beta.

محل وقوع جرم و ارتکاب جرائم مورد بررسی بوده است. بر اساس نتایج مطالعه آنها، جرائم سرقت و جرائم علیه اشخاص مثل قتل، ضرب و جرح و شرارت بیش از دیگر جرائم در محیط‌های تاریک رخ داده است (Kalantari & Ayat, 2007). طبق نتایج تحقیق حاضر نیز، مهم‌ترین دلایل اختلاف بین زمان وقوع جرائم در گروه‌های مختلف جرم این است که برخی فعالیت‌های مجرمانه در هنگام روز و در معابر پررفت‌وآمد و همراه با تراکم بالای جمعیت رخ می‌دهد. کیف زنی و جیب‌بری از جمله این جرائم بوده است که در محیط‌های پررفت‌وآمد و شلوغ در طول روز بهتر از هر زمان دیگری انجام می‌گیرد. به نظر می‌رسد تعداد کمتر جرائم وقوع یافته در شب نظیر مبادله و خرید و فروش مواد مخدر نیز از این واقعیت ناشی می‌شود که بسیاری از جرائم به دلیل تاریکی و عدم امکان کنترل در هنگام شب، رخ می‌دهد.

به موجب نتایج این تحقیق، اقلیم که شامل عناصر اقلیمی و محیط فیزیکی است، بر وقوع بزهکاری نظیر سرقت، تخریب اموال عمومی، اعتیاد به مواد مخدر، ولگردی و نزاع خیابانی تأثیر داشته است. بر پایه نتایج تحقیق حاضر، بیشترین اماکن وقوع جرم، عمدتاً در مناطقی با خصوصیت مهاجرپذیری، پایین بودن درآمد خانوادگی، پایین بودن سطح تحصیلات، تراکم خانه‌های قدیمی با قیمت نازل، وجود اقشار زیاد جمعیت کارگری، ناهمگونی قومی و تراکم جمعیت خانواری بالا بوده است که تقریباً به عنوان مناطق پرخطر در بین عامه مشهورند و همه این عوامل را می‌توان زمینه‌ساز بروز جرم دانست. نتایج پژوهش قالیباف و همکاران که به مطالعه نقش کانون‌های جرم‌خیز در وقوع جرائم شهری پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که مشخصات کالبدی، خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکان‌ها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل‌کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر ناهنجاری بیش‌ازپیش اهمیت یافته تا بدین وسیله امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری‌های شهری فراهم آید (Qalibaf et al, 2010). نتایج بررسی حاضر هم نشان داد که مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی یا عوامل مکانی مؤثر، ترغیب‌کننده یا تسهیل‌کننده بزهکاری در شهر میاندوآب شامل عدم نورپردازی کافی معابر، عدم وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، عدم طراحی مناسب ساختمان‌ها و وجود کوچه‌های باریک، عدم حضور و نظارت پلیس و عدم به‌کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری‌های نوین نظارتی بوده که عوامل کالبدی بیشتر از عوامل اجتماعی در وقوع جرم نقش داشته است. در این زمینه می‌توان با تغییر ساختار فضا، ایجاد مراکز تفریحی، طراحی مناسب ساختمان‌ها و شهرسازی با برنامه، طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر، همچنین حضور و نظارت پلیس و به‌کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری‌های نوین نظارتی در مقاطع زمانی خاصی بر یک مکان ویژه، از وقوع بزهکاری پیشگیری نمود. همان طوری که نتایج پژوهش پیوسته‌گر و همکاران که پارک‌های شهری را از منظر جرم‌شناسی با استفاده از تکنیک چیدن فضا بررسی نموده‌اند، مؤید این است که در برخی مواقع کیفیت محیط نظیر فقدان نورپردازی مناسب

و در مواردی دیگر، ویژگی‌های ذهنی محیط بر ایجاد حس ناامنی فضا دامن می‌زند (Payvastehgar et al, 2017). طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش اینتر، از بین متغیرهای پیش‌بین ابعاد زیستگاه «مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون‌های جرم‌خیز، خصوصیات اماکن مناطق، محیط فیزیکی و عناصر اقلیمی»، به‌عنوان پیش‌بین متغیر ملاک (بزهکاری)، به ترتیب متغیرهای پیش‌بین مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون‌های جرم‌خیز و خصوصیات اماکن مناطق تأثیر مستقیم می‌گذارند و می‌توان گفت که «مشخصات کالبدی و اجتماعی کانون‌های جرم‌خیز» با توجه به ضریب بتا، مؤثرترین متغیر تأثیرگذار بر بزهکاری افراد بوده است. بدین معنی که اگر مشخصات کالبدی و اجتماعی بزهکاران مناسب نباشد، در افزایش بزهکاری آنان مؤثر خواهد بود.

در مجموع اهمیت یافته‌های تحقیق حاضر در مقایسه با تحقیق‌های علمی و سازمانی انجام یافته، به اثبات این نکته اساسی برمی‌گردد که جغرافیای جنایی همیشه از ماهیت ثابت و فضای کالبدی خاص با محدودیت‌های فیزیکی برخوردار است. به دلیل نگرش ترقی خواهانه و تکاملی شهرنشینی در ایران، همواره شاهد تولید تنوع زیستگاه هستیم و جرائم با کثرت ملاک‌های ارتباطات اجتماعی هم افزایش می‌یابد. از این رو همه تکنیک‌های مدرن ناظر بر امنیت محیطی در فضاهای شهری را برای جلوگیری از تعامل دو عنصر الحاقی و القایی با عنصر زیستگاهی که ترکیب آنها متضمن فلسفه وجودی جرائم شهری است، بایستی در مهندسی شهری به کار گرفته شود. بدین سان، بر اساس یافته‌های این تحقیق هم شایسته است که پیشنهادها کاربردی ذیل در سیاست‌گذاری‌های جرائم شهری مدنظر متولیان و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد:

۱. با توجه به اثبات تأثیر برخی مشخصات کالبدی و اجتماعی محیطی در وقوع جرائم شهری، با تغییر ساختار فضا، اعم از نحوه نورپردازی معابر، ایجاد مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، طراحی مناسب ساختمان‌ها و شهرسازی با برنامه و طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر می‌توان از وقوع بزهکاری پیشگیری نمود.

۲. با استفاده از مطالعات آسیب‌شناسی و بوم‌شناسی تطبیقی و تهیه نقشه‌های کامل محله‌های شهری در خصوص پهنه‌بندی وقوع جرم برپایه عوامل اقتصادی و فرهنگی در محله‌های شهری و حذف فضاهای غیرقابل دفاع مثل بافت‌های فرسوده با طراحی مناسب فضاهای شهری، می‌توان از وقوع جرائم شهری پیشگیری نمود.

۳. به منظور پیشگیری از جرائم شهری، به جای توسعه عمودی و افقی بی‌رویه شهرها، شهرک‌های جدیدی برای تأمین مسکن مناسب در خارج از شهرها و آن سوی کمربند سبز شهرها احداث گردد.

۴. با بازشناسی محلات شهری و وضعیت جرم‌خیزی آنها، از طریق تشکیل شوراهای محلی، امکان مراد و شناخت اهالی فراهم گردد.

- Chakan, Mohammad Mahdi & Beigi, Jamal (2015), "Crime Investigation of Apartment Crimes (with Modern Architecture and Urbanism Approach)", National conference on the use of new technologies and technologies for design, calculation and implementation in civil engineering, architecture and urban planning, Maragheh, University. Islamic Azad University of Maragheh, Retrieve from: https://www.civilica.com/Paper-DCECAU01-DCECAU01_028.html [in Persian]
- Beigi, Jamal & Yazdani, Hakimeh (2015), "Criminological examination of architecture and urbanization (with the approach of prevention teachings)", National conference on the use of new technologies and technologies for design, calculation and implementation in civil engineering, architecture and urban planning, Maragheh, University. Islamic Azad University of Maragheh, Retrieve from: https://www.civilica.com/Paper-DCECAU01-DCECAU01_028.html [in Persian]
 - Beigi, Jamal (2016), Criminal Sociology Booklet, Master's Degree in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Maragheh Branch, Preparation: Mehrdad Teymouri. [in Persian]
 - Cozens, Paul Michael & Hiller, David (2005), "Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography University of Glam organ", Pontypridd, UK, Property Management, Vol. 23, No. 5, December, pp. 328-356.
 - Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) Guideline (2017), Revision 1, F2014/00794 Adopted by Council 13 June 2017. Retrieve from: <https://www.lakemac.com.au/downloads>
 - Dadashi Chakan, Mohammad Mehdi, Ashena, Hamid & Beigi, Jamal (2015), "Environmental Prevention of Crimes in Urbanism and Modern Architecture, A Look at the Defensible Space Theory", National conference on the use of new technologies and technologies for design, calculation and implementation in civil engineering, architecture and urban planning, Maragheh, University. Islamic Azad University of Maragheh, Retrieve from: https://www.civilica.com/Paper-DCECAU01-DCECAU01_028.html [in Persian]

۵. با لحاظ شرایط فرهنگی و مقتضیات اجتماعی و روان‌شناختی شهروندان هر محله، دستورالعمل و اصول طراحی کالبدی فضاهای شهری تدوین گردد.

References:

- Adibi Sa'dinejad, Fatemeh and Azimi, Azadeh (2011), "Explaining the security of the urban environment based on physical and design parameters (case of Babolsar city)", Environmental education, Vo. 4, No. 15, winter, pp. 106-81. [in Persian]
- Ahar, Hassan; Soleimanzadeh, Mahboubeh; Manouchevari Miandoab, Ayoub & Ebrahimpour Lanbaran, Ahd (2015), "Analysis of Urban Security with Emphasis on Crime Indicators Using the AHP-TOPSIS Method", National Conference on New Urbanism, Security and crime prevention in urban spaces, Tabriz, Metropolitan Municipality of Tabriz, Total Judiciary of East Azarbaijan Province, Retrieve from: http://www.civilica.com/Paper-CPPLANNING01-CPPLANNING01_078.html [in Persian]
- Ahmadi, Mahnaz (2017), "Investigating the Components of Children's Delinquency", Specialty Publishing Site for Legal Articles of Haghgostar, Retrieve from: www.HaghGostar.ir [in Persian]
- Ahmadi, Tohid, Timurid, Raziieh & Elsan, Mostafa (2011), "Environmental prevention of urban crime", Journal of crime prevention studies, year 6, 19, summer, pp. 30-9. [in Persian]
- Alavi, Juvent & Haeri, Sanaz (2015), "The Impact of Geography on the Consumption of Sustainable Natural Energy in Iran's Dry and Dry Climate (A Case Study of Traditional Homes in Shiraz and Kashan)", Second National Conference on Sustainable Development in Geography and Planning, Architecture and Urbanism. [in Persian]
- Amiri Raskona, Maedeh & Ashiriyeh, Ruhollah (2014), "The role of urban architecture in reducing crimes", First Congress of Urban Management & City Councils, Center for Development Conferences of Iran, Retrieve from: <https://ganj-old.irandoc.ac.ir> [in Persian]
- Atlas, Randall (1999), Environmental Design that Prevents Crime, the construction specifier, Atlas Safety & Security Design, Santamonica.
- Beigi, Hossein, Shiryan Nazl, Maryam; Dadaishi

offences in sectional regions”, *Journal of Criminal Law and Criminology*, Vol. 29, Issue 3, September-October, PP. 329-344.

- Mahdnejad, Hafiz; Parhiz, Faryad; Ansarizadeh, Salman & Mojtaba, Hamid (2014), “Spatial Analysis of Mass Crime Centers in Illegal Relationships of Men in Zanjan City (Using GIS Information System)”, *Journal of Social Security Studies*, No. 38, Summer, pp. 145-135. [in Persian]
- Meshkini, Abolfazl; Gholami, Alireza; Moradinia, Sajjad & Parhiz, Fryad (2011), “Geographic Surveying of Spatial Patterns of Crime in the Informal Settlement Area of Islamabad (Case Study: Buying and Selling Property of Stolen Property)”, *Journal of Social Security Studies*, Vol. 25, Pp. 82-55. [in Persian]
- Moghani Rahimi, Behnam and Ferbar, Zahra (2013), “Climate and Architecture of Shiraz”, *Sepehr Magazine*, Vo. 22, autumn 2002, pp. 67-64. [in Persian]
- Najafi Abrand Abadi, Ali Hossein (2008), *Criminal Sociology Booklet*, Master’s Degree in Criminal Law and Criminology, Tarbiat Modares University, Prepared by Mohammadi, Mousizadeh & Abbasi. [in Persian]
- Nasar, Jack L. and Fisher, Bonnie (1993), “Hot spots of fear and crime: a multi-method investigation”, *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 13, Issue 3, September, PP.187-206.
- Payvastehgar, Yaqub, Heidari, Ali Akbar & Kaya, Maryam (2017), “Analysis of urban parks from the perspective of criminology using space layout technique (Case study: Laleh Park of Tehran)”, *Quarterly Journal of Urban Studies*, 6th, No. 22, spring, pp. 26-15. [in Persian]
- Qalibaf, Mohammad Bagher; Ansari Zadeh, Salman & Parhiz, Faryad (2010), “Investigation and Analysis of the Role of Mass Destruction Corporations in the Occurrence of Urgent Crimes”, *the Monthly of Municipalities*, the Eleventh Year, No. 100, October, pp. 39-22. [in Persian]
- Rostami Tabrizi, Lamya & Madanipour, Ali (2006), “Crime and the city: Domestic Burglary and the built environment in Tehran”, *Habitat International*, Vol. 30, Issue 4, December, PP. 932-944.
- Salehi, Javad, Pourmohi Abadi, Hussein & Salari Rad, Masumeh (2012), “The Study of Social Factors Affecting Primary and Secondary Childhood Crime”, *Journal of Cultural Engineering*, Seventh
- Ganji, Monireh (2015), “The Impact of Urban Architecture and Environments on Prevention of Delinquency with an Emphasis on Environmental Design Approach (CPTED)”, *International Conference on Civil Engineering, Architecture and Urban Infrastructure*, Tabriz, Iran, Retrieve from: https://www.civilica.com/Paper-ICICA01-ICICA01_0988.html [in Persian]
- Gholamhosseini, Rahim, Kalantari, Mohsen & Ahmadi, Farzaneh (2013), “The Impact of Lighting on Urban Security and Tourism Development (Case Study: Shiraz City)”, *Regional Planning Quarterly*, Third Year, No. 9, spring, pp. 75-67. [in Persian]
- Hatami Nejad, Hossein, Mansouri, Babur & Faeli, Mohammad (2015), “Explaining the Role of Urban Spaces in Preventing Crime and Establishing Security”, *Geographic Information Magazine*, Twenty-Second Period, No. 87, autumn, pp. 76-68. [in Persian]
- Hedayati, Akbar & Abbasi Elham (2009), “Scientific management of criminal offenses using GIS (Investigation: Types of Crimes in the City of Qazvin)”, *Police Management Studies*, 4th Year, No.2, summer, pp. 177-198. [in Persian]
- Kalantari, Mohsen and Ayat, Ayatollah (2007), “The Impact of Environmental Conditions on Delinquency and Its Prevention Strategies (Case Study: The Effect of Darkness, Lightness, Silence and Occupation of the Environment on the Type and Rate of Commitment Crimes in Tehran)”, *Journal of Studies Crime Prevention*, Second Year, No. 5, winter, pp. 65-43. [in Persian]
- Kalantari, Mohsen, Qassari, Mohammad, Jabbari, Mohammad Kazem & Qizilbash, Somayeh (2013), “Geographical analysis of crimes in the central part of the cities (Case Study: Trafficking and Drug Abuse Victims in the Central District of Tehran)”, *Geographical Quarterly*, Year 28, No. 2, No. row 109, Summer, pp. 32-13. [in Persian]
- Khaki, Gholam Reza (2017), *Research Methodology with Dissertation Approach*, Tehran: Fuzhan Publishing. [in Persian]
- Latifi, Gholamreza & Basatian, Seyed Mohammad (2012), “The Security Consequences Caused by Concentration in Tehran Metropolis”, *Journal of Cultural Sociology*, Third Year, No. 1, spring & Summer, pp. 138-123. [in Persian]
- Lottier, Stuart (1938), “Distribution of criminal

- Study on Kermanshah City, Master's Degree, Criminal Law and Criminology, Payame Noor University of South Tehran. [in Persian]
- Zhong, Haidong; Yin, Jie; Wu, Jianping; Yao, Shenjun; Wang, Zhanhong; Lv, Zhenhua & Yu, Bailang (2011), "Spatial analysis for crime pattern of metropolis in transition using police records and GIS: a case study of Shanghai, China", International Journal of Digital Content Technology and its Applications, Vol. 5, No. 2, January, PP. 93-105.
 - Year, No. 73-74, January & February, pp. 139-113. [in Persian]
 - Shams, Majid; Parhiz, Faryad; Mehdnejad, Hafiz; Ghamari, Mostafa; Mohammadi, Kaveh (2012), "Analysis of the relationship between mass and population density in statistical blocks using GIS geographic information systems (Case study of Islamabad, Zanjan's informal settlement area) , Journal of Urban Planning and Research, Third Year, No. 8, Spring, pp. 38-19. [in Persian]
 - Shoae Kazemi, Mehrangiz (2006), "Crime and Prevention Methods", Ma'refat Magazine, No. 103, June, pp. 106-107. [in Persian]
 - Sotoudeh, Hedayat Allah (2014), Social Pathology (sociology of deviations), Twenty-third edition, Tehran: Avaya Noor Publishing. [in Persian]
 - Sotoudeh, Hedayat Allah (2016), Sociology of Social Issues of Iran, Fifth Edition, Tehran: Neda Ariana Publishing. [in Persian]
 - Tagvaei, Ali Akbar, Maroufi, Sakineh & Pahlavan, Somayeh (2013), "Assessment of the Impact of Urban Quality on the Social Relations of Citizens Investigated: Abkouh neighborhood, Mashhad", Quarterly journal of the role of Jahan - Theoretical Studies and Modern Technologies of Architecture and Urban Planning, Vo. 3, No. 1, pp. 54-43. [in Persian]
 - Tavakoli, Mahdi (2005), Identification and analysis of urban crime centers, Master thesis, Department of command and control, Police Department, Amin Police Department, Faculty of Command and Staff. [in Persian]
 - Wang, Dawei; Ding, Wei; Lo, Henry; Morabito, Melissa; Chen, Ping; Salazar, JosueJ. & Stepinski, Tomasz (2013), "Understanding the spatial distribution of crime based geospatial discriminative patterns", Computers, Environment and Urban Systems, Vol. 39, May, PP. 93-106.
 - Weisburd, David; Lum, Cynthia & Yang, Sue-Ming (2004), Criminal Careers of Places: a Longitudinal Study, U.S. Department of Justice, National Institute of Justice, Document No. 207824, December. Retrieve from: <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/nij/grants/207824.pdf>
 - White, Clyde R. (1932), "The relation of felonies to environmental factors in Indianapolis", Social Forces, Vol. 10, No. 4, May, PP. 498- 509.
 - Yavari, Ghaffar (2012), The Impact of Geographical Environmental Factors on Crime Rate with Case